



رفع مشکل فیلم‌هایی که به خاطر چند بازیگر اکران نمی‌شوند، شدنی است؟

ارشاد در مخمصه نجات فیلم‌های ستاره‌دار

در اتفاقات اخیر، تنها یک نمونه آن است. این وضعیت باید مهار شود. اینکه تهیه‌کنندگان و سایر عوامل سینما احتمالاً از این به بعد به بسیاری از بازیگران موجود اعتماد نخواهند کرد، می‌تواند باعث شود نسل جدیدی از هنرپیشه‌ها وارد صحنه شوند. از سال ۱۴۰۰ به این سو با ورود نسل جدیدی از فیلمسازان که خروجی گردونه مافیایی سینمای ایران هم نبودند، مواجه شدیم و حالا این اتفاق می‌تواند در مورد بازیگران هم بیفتد و نسل جدیدی از بازیگران به سینمای ایران وارد شوند. آن بخشی از جریان اکران سینمای ایران که اجازه نمی‌داد هیچ فیلمی بدون حضور چهره‌های معروف در گیشه موفق شود و الگویی غیر از کلیشه‌های مشخص تجاری را جا بیندازد، برای نابود نشدن سینما در پیچ مهم کنونی، باید از این سیاست دست بردارد. سینماگران هم باید با ورودی‌های جدید طور دیگری برخورد کنند و اجازه ندهند نسل جدید چهره‌های مشهور هم مثل قبلی‌ها تا جایی پیش بروند که از کنترل و مهار خارج شوند. تدوین و تنظیم قراردادهایی بین بازیگران و تهیه‌کننده می‌تواند تضمین‌کننده آینده نمایش فیلم‌ها باشد.

یک‌بار برای همیشه باید تکلیف‌مان را با مواردی که رفتارهای یک هنرپیشه یا کارگردان، پس از تولید فیلم، روی سرنوشت کلی فیلمش تأثیر می‌گذارد، روشن کنیم. مثلاً چرا فیلم‌های ارزشمندی از قبیل «میم مثل مادر» یا «به نام پدر» به این دلیل که گلشیفته فراهانی در آنها بازی کرده بود، طی تمام این سال‌ها نباید از تلویزیون پخش می‌شدند؟ این درست شبیه آن است که سرود ماندگار و خاطره‌ساز «ای شهید» که هر سال در دهه فجر بارها از تلویزیون پخش می‌شود، به این دلیل که خواننده‌اش پس از مدتی به جمع خوانندگان لس‌آنجلس پیوست، از فهرست نمادهای دهه فجر حذف شود یا مثلاً قانون اساسی را به این دلیل که بعضی از تدوینگرانش بعداً به جرم ضدانقلاب درآمدن یا مشخص شد جاسوس هستند حتی اعدام شدند، دیگر محترم شماریم. این مسائل را گاهی خود ما برای خودمان می‌سازیم، نه اینکه اهمیت واقعی و ذاتی داشته باشند و به این شکل برای خودمان مشکلاتی دست‌وپا می‌کنیم. می‌توان به راحتی از این مسائل عبور کرد و گنجینه تاریخ سینمای ایران را به رفتار سیاسی چند هنرپیشه و کارگردان که پس از تولید آن فیلم رخ داده، ربط نداد.

بروز دادند، حتی اگر حاکمیت از این پس چشم بر همه این خطاها ببندد و بی‌اینکه اظهار ندامت این افراد را بخواهد، اجازه بدهد به کارشان ادامه دهند. خود سینما دیگر خیلی سخت به اینها اعتماد خواهد کرد. دشواری می‌شود باور کرد که یک تهیه‌کننده رسمی، کسی که می‌خواهد در داخل ایران فیلم بسازد و نمایش بدهد، از این به بعد حاضر باشد با کسی مثل ترانه علیدوستی کار کند. او حتی در جاهایی که پیش از این وعده داده بود با اعلام مواضع سیاسی‌اش کل یک پروژه را به خطر نیندازد، بعدها به وعده‌اش عمل نکرد و حالا که بسیار غیرقابل اعتمادتر از قبل شده، فقط ممکن است بتواند با پروژه‌هایی همکاری کند که زیرزمینی هستند، بودجه‌شان از خارج می‌آید و برای قاچاق به آن سوی مرزها و نمایش در همان جا تهیه می‌شوند. خیلی از بازیگران دیگر را هم می‌توان سراغ گرفت که وضعیتی این چنین پیدا کرده‌اند.

راه‌حلی برای خروج از این بن‌بست
تمام مواردی که تا اینجا به آن اشاره شد، ما را به یک جمع بندی ذیل سه مورد می‌رسانند.
اولین و شاید مهم‌ترین نکته این است که تهیه‌کننده یا کارگردان قانون مدار، نباید پاسور رفتارهای سیاسی یک هنرپیشه شوند. هر عضوی از اهالی سینما باید بدانند که اگر به قوانین کشور پایبند باشد و اصول آن را رعایت کند، در مواقع مقتضی مجریان قانون هم او را تنها نمی‌گذارند. به عبارتی قانون مداری باید پناهگاه ذهنی افراد باشد و به آن اعتماد کنند. همان طور که جرائم قانونی افراد را شرطی می‌کند که بدانند اگر خطایی از شان سر زد باید بهایی بپردازند، از آن سو هم باید همه شرطی شوند و بدانند که اگر طبق قانون رفتار کردند، به مشکلاتی برنخواهند خورد که از ناحیه‌ای غیرقابل محاسبه بر سرشان نازل شده است. همین حالا هم اگر تهیه‌کنندگان یا کارگردان‌های چند فیلمی که رفتارهای ناهنجار بازیگران‌شان کل پروژه را در هاله‌ای از ابهام فرو برده، تضمینی بابت سرنوشت اثرشان پیدا نکنند، تبدیل می‌شوند به تجربه‌ای تلخ در برابر دیدگان باقی سینماگران که نشان می‌دهند در پیروی از قانون منفعتی نیست و نمی‌توان اعتمادی به آن کرد.
سینمای ایران از ناحیه بازیگرسالاری صدمات زیادی خورده که مشکلات پیش آمده برای بعضی از فیلم‌ها

می‌شد کرد وقتی یکی از بازیگران فیلم در یک مراسم ختم کشف حجاب کرده و عکس‌هایش در چند رسانه و در فضای مجازی دستگردان شده‌اند و همین حساسیت‌های فرضی که معلوم هم نیست چقدر است و تأثیری دارد یا ندارد را مد نظر سیاستگذاران سینمایی قرار می‌دهد و باعث می‌شود در مورد نمایش فیلم عصباً به دست و محتاط شوند؟ تهیه‌کننده فیلم می‌تواند به مدیران سازمان سینمایی بگوید که کارش را کاملاً طبق قواعد و استانداردها انجام داده و در ضمن زمانی که با فلان بازیگر کار می‌کند، او نه کشف حجاب کرده بود، نه موضعی گرفته بود که لبه‌های تند سیاسی داشته باشد. آن تهیه‌کننده حتی پرونده پروانه نمایشی که از ارشاد گرفته را زیر بغل زده و با خودش به سازمان سینمایی می‌آورد. چه می‌توان به او گفت و چه توجیهی برای عدم نمایش فیلمش می‌توان تراشید؟ می‌دانیم که سینمای ما بیشتر از سینمای هر کشور دیگری بازبگرسالار است و مثل هالیوود نمی‌شود با بازیگری که با اظهارنظرهایش بیرون از جهان فیلم برای پروژه مشکلاتی ایجاد کرده برخورد کرد. چند سال پیش که شارون استون، هنرپیشه هالیوودی به کن رفته بود و در جو آنجا قرار گرفت و اظهارنظر حقوق بشری بی‌ربط به خودش را راجع به چین از او منتشر شد از سوی چینی‌ها اعلام شد که دیگر نمایش هر فیلمی با بازی استون در چین ممنوع است. برخلاف فرانسوی‌ها که سینمای تجاری پررونقی ندارند و دوسوم فروش در داخل مرزهای خودشان هم متعلق به هالیوودی‌هاست، محصولات سینمای آمریکا صادراتی است و شدیداً به بازار چین وابستگی دارد. همین باعث شد صاحبان کمپانی‌های بزرگ به سمت قطع همکاری با شارون استون بروند. استون هم رسماً به غلط کردن افتاد و از چینی‌ها عذرخواهی کرد اما به این راحتی‌ها بخشیده نشد. از این دست موارد را در سینمای آمریکا و سینمای سایر کشورها بسیار فراوان می‌توان سراغ گرفت اما بازیگر ایرانی به دلایل مختلفی که شرح جداگانه‌ای می‌طلبد، سلطنت مطلقه‌ای در سینما دارد و حتی می‌تواند تهیه‌کننده را به حمله مجازی هوادارانش تهدید کند.
در موج اخیری که خیلی از افراد جامعه ایران، از جمله بسیاری از مشاهیر و هنرمندان را دچار توهم و خطای محاسباتی راجع به آینده سیاسی کشور کرد، بازیگران بسیاری به میدان آمدند و اظهارات یا رفتارهای ساختارشکنانه‌ای از خودشان

توجه قرار می‌گیرد وارد کردن «اصلاحیه» به فیلم‌هاست. وقتی فیلمی را می‌توان با چند اصلاحیه روانه اکران کرد چرا باید کاملاً در توقیف بماند؟ البته کم پیش نمی‌آید که موارد اصلاحی هم محل چالش فیلمسازان با مسئولان سینمایی بشوند اما به هر حال وجود اصلاحیه را همه بیشتر از نبود آن می‌پسندند چرا که اگر نباشد ممکن است کلاً فیلم به محاق توقیف برود.
تمام این چالش‌های مربوط به توقیف و ممیزی و راه‌حل‌های برخورد با آنها را تا به حال شناخته‌ایم و آموخته‌ایم؛ اما اخیراً مواردی پیش آمده که به طور کل جدید هستند و چون سابقه برخورد با آنها وجود ندارد، طریقه مواجهه هم گنگ و نامعلوم مانده است. در حادثی که پس از ۲۵ شهریور سال گذشته رخ داد و کشور را در آشوب و غوغا فرو برد جوی در جامعه ایجاد شد که بسیاری از افراد را به اتخاذ مواضع تند، عصبی و عمدتاً شتاب‌زده واداشت. وقتی چند ماه از آن رخدادها گذشت و توهم سقوط نظام به دیوار سخت واقعیت خورد، شهروندان عادی، بی‌آنکه نسبت به مواضع قبلی‌شان اعلام برائت کنند یا حتی به اشتباهات محاسباتی‌شان معترف شوند با شیب ملایمی از مواضع قبلی فرود آمدند و به زندگی معمولی برگشتند. برای افراد مشهور اما کار به این سادگی پیش نرفت. مواضع آنها و رفتارهایشان به راحتی فراموش شدنی نبود چون خودشان هم نسبت به بقیه افراد جامعه آدم‌های معروف‌تری بودند و در شبکه‌های اجتماعی، مقابل چشم دنبال‌کنندگان میلیونی این مواضع را اعلام کرده بودند. مشکل جدیدی که بحث توقیف و ممیزی در سینمای ایران با آن سر و کار پیدا کرد، از همین جا آغاز شد.
وقتی با اصلاحیه هم کار درست نمی‌شود
تعداد قابل توجهی از فیلم‌ها بودند که هیچ مشکلی نداشتند جز اعلام موضع بازیگران یا کارگردان آنها در فضای خارج از فیلم. دیگر اینجا با اصلاحیه هم نمی‌شد مشکل را حل کرد. حتی آثاری را در این میان می‌توان سراغ گرفت که محتوای بسیار مناسبی داشتند و خود وزارت ارشاد به عنوان الگویی فرهنگی در فیلمسازی می‌توانست به باقی فیلمسازان توصیه‌شان کند یا برای جانداختن بعضی گزاره‌های آموزشی و تربیتی، می‌شد برای تماشايش تسهیلاتی مدنظر قرار داد تا آن فیلم توسط مردم بیشتر دیده شود. اما چه



میلاد جلیل‌زاده خبرنگار گروه فرهنگ

داستان توقیف و سانسور فیلم در سینمای ایران برای خودش تاریخچه‌ای قطور دارد و تب‌های مختلف اجتماعی، عرف هر دوره، سیاست‌های هر دولت و هر حکومت و مناسبات مختلفی که بین هنرمندان و حاکمیت در هر دوره وجود داشته روی این روند تأثیرگذار بوده‌اند. چه بسیار فیلم‌هایی که در یک دوره توقیف شدند و در دوره‌ای دیگر شاید به فاصله چند سال از موضع همان جریان‌ها که توقیف‌شان کرده بود مورد تحسین قرار گرفتند. «مارمولک» کمال تبریزی را به یاد داریم که در دوره خودش توقیف شد اما پس از سال‌ها به دلیل نوع پرداخته‌ش به مسائل جامعه روحانیت، مورد تحسین قرار گرفت یا «به رنگ ارغوان» را از خاطر نبرده‌ایم که وزیر اطلاعات مستقیماً ورود کرد و باعث توقیفش شد و بعد از ۵ سال همان فیلم را به فجر آوردند، جایزه باران کردند و بعد بارها و بارها از تلویزیون پخش شد. از این مثال‌های عجیب، فراوان می‌توان آورد و در مقابل مواردی را می‌توان مورد اشاره قرار داد که بعضی از فیلم‌ها کاملاً از چهارچوب و قواعد ممیزی بیرون زده و منتشر شده‌اند، یکی از بحران‌هایی که فیلم‌های توقیفی برای وزارت ارشاد و سازمان سینمایی ایجاد می‌کنند، قهرمان‌سازی از تولیدکنندگان‌شان است. به طور پیش فرض در ذهن خیلی از مخاطبان چنین نقش بسته که هر فیلمی اگر توقیف شد، لایق یا جاسرات و شهامت حرفی را زده که حق است و چیزی را نمایش داده که واقعیتی کتمان شده به حساب می‌آید. از آن سو فیلمسازان هم عمدتاً فکر می‌کنند هر فیلمی که ساختند، اگر تجاری است، بالای ۳ تا ۵ میلیون مخاطب دارد و اگر هنری یا اجتماعی است اثری دوران ساز خواهد بود که بر بلندترین سکوی افتخار در تاریخ هنر جهان می‌ایستد. حالا اگر بیابند و فیلم‌شان را توقیف کنند به هر دلیلی، درست یا غلط، باعث خواهد شد فیلمساز در توهم خود به سر ببرد و فکر کند موفق‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران در نقطه خفه شده است.

از عجایب عصر جدید توقیف فیلم
یکی از راه‌هایی که معمولاً برای برون‌رفت از این وضعیت مورد



چارسو

تاجیکستان فیلم ایرانی به اسکار فرستاد

سینمای تاجیکستان امسال با فیلمی ایرانی در رقابت شاخه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار ۲۰۲۴ شرکت خواهد کرد. به گزارش ایسنا، طبق اعلام پیشین سینمای تاجیکستان، امسال فیلم «ملودی» به نویسندگی و کارگردانی بهروز سبط‌رسول را به عنوان نماینده رسمی خود در اسکار ۲۰۲۴ انتخاب کرده است. فیلمی که به انتخاب اتحادیه فیلمسازان تاجیکستان برای رقابت اسکار پیش‌رو در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی در نظر گرفته شده است.
این فیلم زنی را دنبال می‌کند که در مرکز کودکان سرطانی به آموزش موسیقی می‌پردازد. وقتی شاگردانش از او درخواست می‌کنند که با صدای پرندگان یک قطعه موسیقی بسازد، ملودی به روستای زادگاهش سفر می‌کند تا پرنده‌ها و همچنین خواننده‌ای قدیمی را پیدا کند که از مکان آنها مطلع است. نقش اصلی

این فیلم را دیمان زندی بازی می‌کند و علیرضا استادی و مقدااد اسلامی دیگر بازیگران این فیلم هستند. «ملودی» قرار است در ماه سپتامبر در تاجیکستان اکران شود تا شرایط لازم را برای رقابت در اسکار ۲۰۲۴ به دست آورد. تاجیکستان در سال ۲۰۰۵ نیز قرار بود با فیلمی از محسن مخملباف در اسکار شرکت کند اما در نهایت نسخه نهایی این فیلم تا زمان مقرر به آکادمی ارسال نشد و این فیلم واجد شرایط شناخته نشد. تنها بار دیگری که تاجیکستان در رقابت اسکار حضور داشت به سال ۱۹۹۹ بازمی‌گردد که فیلم «لونا پایا» ساخته «ختیار خدای‌نظر» در نهایت به فهرست نامزدهای نهایی شاخه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان راه نیافت. «ملودی» دومین فیلمی است که تاکنون برای رقابت در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار ۲۰۲۴ معرفی شده است. پیش از این

سینمای سئوئیس نیز فیلم «تندر» را به عنوان نماینده خود به آکادمی معرفی کرده بود. در دوره گذشته در ابتدا ۹۳ کشور فیلم نماینده خود را برای رقابت در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی به آکادمی معرفی کردند. طی مرحله نخست ۱۵ فیلم به عنوان نامزدهای اولیه و در نهایت ۵ فیلم به عنوان نامزدهای نهایی این شاخه از طریق رای‌گیری از اعضای آکادمی انتخاب شدند و سرانجام در مراسم اعطای جوایز فیلم «در جبهه غرب خبری نیست» ساخته «ادوارد برگر» از آلمان برنده اسکار بهترین فیلم خارجی سال شد و سینمای ایران نیز فیلم «جنگ جهانی سوم» ساخته هومن سیدی را به عنوان نماینده رسمی خود در اسکار ۲۰۲۳ برگزیده بود. نودوششمین دوره جوایز سینمایی اسکار روز ۱۰ مارس (۲۰ اسفند ۱۴۰۲) برگزار خواهد شد.

بهمن هاشمی با «میدون» به تلویزیون بازگشت

بهمن هاشمی که چندین سال از فضای اجرا و تلویزیون فاصله داشته و پیش از این مجری برنامه‌های شبکه دو و پنج سیما بوده، امسال با «میدون» به تلویزیون باز می‌گردد. فصل جدید مسابقه میدون با تغییرات بسیار، به‌زودی روانه آنتن شبکه سه سیما خواهد شد. میدون کاری از گروه اجتماعی شبکه سه سیما است و فصل اول آن سال ۱۳۹۸ پخش شد.
علیرضا یونجی، روح‌الله دهقانی فیروزآبادی، حسین مصطفی‌زاده، مینا مهرنوش، حجت‌الله عبدالملکی، حمیدرضا موثقی، علیرضا نبی، امیر شکوهی‌نیا و... از جمله داوران فصل‌های گذشته میدون بودند. همچنین حامد سلطانی و ولی‌الله اشرفی اجرای فصل‌های گذشته میدون را برعهده داشتند.